

بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری دانشجویان سال دوم و سوم مقیم خوابگاه‌های دانشگاه تهران.

رقیه خسروی^۱، الهام قوانلو^۲

مقدمه

سازگاری با موقعیت‌های جدید و متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییرات سریع اجتماعی و فنی است، کار آسانی نیست. آنچه اهمیت سازگاری را برجسته‌تر می‌سازد آن است که پژوهش‌ها نشان داده‌اند «هرگونه دگرگونی در زندگی آدمی، خواه خوشایند و خواه ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است.» (اتکینسون و همکاران، ۱۹۹۰). سازگاری با خود و محیط برای هر موجودی یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود. تلاش روزمره‌ی همه‌ی انسانها نیز عموماً بر محور همین سازگاری دور می‌زند. با توجه به این امر که دوام و بقای هر جامعه و هر گروهی منوط به تابعیت اعضای جامعه از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است، بنابراین شناخت میزان سازگاری افراد و عوامل مؤثر بر آن ضروری به نظر می‌رسد. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که فرد از طریق حمایت اجتماعی ادراک شده (از سوی دوستان، خانواده، حمایت اجتماعی ادراک شده به طور کلی) به بهزیستی و سازگاری نائل می‌شود. با توجه به مطالب بیان شده بررسی سازگاری و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان خصوصاً دانشجویان مقیم خوابگاه که به دلیل دوری از خانواده و قرار گرفتن در شرایط خاص خوابگاه با موقعیت‌های استرس‌زای بسیاری در طول دوران تحصیل خود مواجه می‌باشند، امری ضروری است.

هدف پژوهش: هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری دانشجویان، است.

فرضیه‌های پژوهش: فرضیه‌ی اصلی پژوهش حاضر چنین است: بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد. فرضیات فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. بین حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان و سازگاری دانشجویان ارتباط وجود دارد.
۲. بین حمایت اجتماعی ادراک شده از همکلاسی‌ها و سازگاری دانشجویان ارتباط وجود دارد.
۳. بین حمایت اجتماعی ادراک شده از خانواده و سازگاری دانشجویان ارتباط وجود دارد.
۴. بین حمایت اجتماعی ادراک شده به طور کلی و سازگاری ارتباط وجود دارد.
۵. بین عقیده راجع به حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری دانشجویان ارتباط وجود دارد.

مبانی نظری: نظریه روانکاوی: بر پایه‌ی کلی منش‌شناسی از راه روان تحلیل‌گری، خصوصیات روان آزرده‌گی (یا منش روان آزرده‌گی) نتیجه‌ی سازگاری غیرکافی غرایز با واقعیت اجتماعی است بر اساس این دیدگاه انسان از بدو تولد با انسان‌های دیگر و قبل از هر کس با مادر خود مواجه است، بر اساس رابطه‌ی بین شخصی مادر و کودک، حس اجتماعی و حس زندگی گروهی بوجود می‌آید. که این احساس برای سازگاری فرد در زندگی آینده ضروری است. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی - شناختی: این نظریه بر این باور است که رفتار انسان را می‌توان از طریق تعامل انسان و محیط تبیین کرد، فرایندی که باندورا آن را موجبیت دو جانبه می‌نامد. انسان تحت تأثیر نیروهای اجتماعی است، ولی نحوه‌ی برخورد با آن‌ها را، خود انتخاب می‌کند. انسان هم نسبت به شرایط محیطی واکنش نشان می‌دهد و هم فعالانه آن‌ها را تفسیر کرده و بر موقعیت‌ها تأثیر می‌گذارد. همان قدر که موقعیت‌ها، انسان را شکل می‌دهد، انسان نیز موقعیت‌ها را انتخاب می‌کند و همان قدر که انسان از رفتار دیگران تأثیر می‌گیرد، در رفتار دیگران نیز تأثیر می‌گذارد.

۱. کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، مددکار مرکز مشاوره دانشگاه تهران.

۲. کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، مددکار مرکز مشاوره دانشگاه تهران.

به طور کلی، نظریه‌ی شناختی-اجتماعی، انسان را به شرط درست عمل کردن، موجودی کاملاً سازگار می‌بیند که توانایی انطباق با شرایط متغیر محیطی را دارا است. بر اساس این دیدگاه در سازگاری و عمل کرد افراد، تقویت و حمایت اجتماعی اهمیت خاصی دارند.

دیدگاه کنش متقابل اجتماعی: به نظر می‌آید شکل‌گیری کنش فردی، همیشه در یک زمینه اجتماعی صورت می‌گیرد، یعنی چگونگی رفتار خود و کم و کیف رابطه او با دیگران، حاصل فضای ارزشی گروه‌هایی است که شخص در داخل آنها به گونه‌ای عضویت پیدا کرده است. بنابراین در این راستا سازگاری یا عدم سازگاری رفتار شخص باید با توجه به گروه‌هایی ارزیابی شود که وی وامدار آن است. جورج هومنز مسأله‌ی سازگاری افراد در گروه را چنین تشریح می‌کند، می‌گوید در گروه‌ها، به طور کلی افراد با جایگاه متوسط، بیشترین میزان سازگاری را نشان می‌دهند. و اعضای مرتبه‌های بالا و یا پایین در گروه‌ها از سازگاری کمتری با گروه برخوردارند (توسلی، ۱۳۷۶).

به هر حال هر قدر فرد، احترام به خود را در گروه در مرتبه بالاتری بیابد، تمایل بیشتری نسبت به ارزش‌ها گروهی پیدا می‌کند.

تئوری انسجام اجتماعی دورکیم: طبق این نظریه مشکل اصلی جوامع جدید رابطه فرد با جامعه است، مشکلی که از طریق از هم پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندهای موجود ناشی می‌شود. و وقتی یگانگی اجتماعی ضعیف باشد در این صورت افراد از حمایت اجتماعی بی بهره اند و به دنبال آن روابط اجتماعی نیز تضعیف یافته و افراد منابع حمایتی را که می‌توانستند از طریق گستره روابط اجتماعی و تعامل با دیگران به دست آورند را از دست می‌دهند.

پیشینه‌ی پژوهش: دان و همکاران (۱۹۸۷) نقش حمایت ادراک شده را در سازگاری دانش‌آموزان تیزهوش ساکن خوابگاه مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و سازگاری به جنسیت و منابع حمایتی بستگی دارد.

وانگ (1993)، در پایان‌نامه دکترای خود به مطالعه الگوهای دوستی نوجوانان دانشجوی چینی ساکن در آمریکا پرداخت. مطالعات پیش نشان داده که دانش‌آموزان و دانشجویانی که در کشوری دیگر به تحصیل می‌پردازند، مشکلاتی را در فرهنگ جدید تجربه می‌کنند که ناشی از گسیختگی در کشوری هنجار سلامت روان شناختی است. وی در این مطالعه مشکلات و شکست‌های تجربه شده از سوی دانشجویان ساکن را ناشی از نبود مهارت‌های اجتماعی جدید و دانش می‌دانست. از دید وی شبکه اجتماعی به ویژه دوستان اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارند. چه، دوستان نه تنها منبعی از حمایت اجتماعی هستند بلکه، راه‌های عمده‌ای هستند که از طریق آن چنین مهارت‌ها و دانشی کسب می‌گردد. نتایج این مطالعه نشان داد دوستان نقش برجسته‌ای برای سازگاری دانشجویان چینی ساکن در آمریکا دارند. بایلر در پایان‌نامه دکترای خود به رابطه بین تیپ روان شناختی، متغیرهای سازگاری اجتماعی و سازگاری آموزشگاهی و حمایت اجتماعی ادراک شده در نوجوانان دبیرستانی پرداخت. یافته‌های پژوهشی نشان داد که بین حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان و خانواده با سازگاری اجتماعی و سازگاری آموزشگاهی ارتباط قوی وجود دارد.

روش

جامعه‌ی مورد بررسی در این پژوهش را دانشجویان دختر و پسر سال دوم و سوم مقیم خوابگاه‌های دانشگاه تهران تشکیل می‌دهد که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ مشغول به تحصیل می‌باشند. جهت انتخاب جامعه‌ی نمونه ابتدا خوابگاه‌های مختلف دانشگاه مشخص شده و از بین خوابگاه‌های موجود سه خوابگاه چمران، فاطمیه و کوی پسران بطور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد، دانشجویان سال دوم و سوم مقیم این خوابگاه‌ها مشخص و نمونه‌ها به طور تصادفی از بین آنها انتخاب شدند. در این تحقیق از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی سازگاری بل و حمایت اجتماعی فلمینگ و باوم است. برای سنجش میزان سازگاری از پرسشنامه‌ی ۱۶۰ سؤالی بهیرام بل (۱۹۶۱)، استفاده شد که سازگاری را در ۵ طبقه ارزیابی می‌کند (عاطفی، هیجانی، اجتماعی، شغلی، خانوادگی و تندرستی) و این پرسشنامه توسط خانم مارگریت سیمولن (۱۳۶۵) در ایران نرم شده است که قابل استفاده برای بزرگسالان و جوانان می‌باشد. مقیاس حمایت اجتماعی که توسط فلمینگ، باوم، گیسریل، و گچل (۱۹۸۲) تهیه گردیده دارای دو فرم کوتاه و بلند است. فرم کوتاه دارای ۶ ماده و فرم بلند دارای ۲۵ ماده است.

در این پژوهش از فرم بلند این مقیاس استفاده شده که شامل ۵ مقیاس فرعی است. این مقیاسهای فرعی عبارتند از: حمایت ادراک شده از طرف دوستان شامل ۳ ماده، حمایت ادراک شده از طرف همکلاسیها، شامل ۴ ماده، حمایت ادراک شده از طرف خانواده، شامل ۷ ماده، حمایت ادراک شده به طور کلی، شامل ۶ ماده، و عقیده راجع به حمایت اجتماعی، شامل ۵ ماده است. لیوارجانی (۱۳۷۵) در مطالعه‌ای تحت بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی، و هنجاریابی مقیاس حمایت اجتماعی فلمینگ، باوم، گیسریل و گچل برآورد ضریب همگونی پرسش‌های این آزمون را با نمره‌گذاری ۰ و ۱، از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱۶ بدست آورد. داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری، با ابزار SPSS و به کمک روشهای آماری، آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تفاوت (t) برای نمونه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

نمونه‌های مورد نظر در تحقیق ۳۰۸ نفر مجرد (۸۹/۶٪) و ۳۲ نفر متأهل (۹/۳) می‌باشند. در نمونه‌ی مورد نظر اکثریت افراد پاسخگو در گروه تحصیلی علوم انسانی (۱۸۳ نفر معادل ۵۳/۴٪) می‌باشد و کمترین گروه نمونه متعلق به گروه هنر (۱۲ نفر معادل ۳/۵٪) می‌باشد. با توجه به تصادفی بودن نمونه‌ها، از بین نمونه‌های شرکت‌کننده ۱۵۰ نفر سال دوم و ۱۸۶ نفر سال سوم تحصیل آنها در دانشگاه بوده است. در بین نمونه‌های مورد نظر کمترین سازگاری مربوط به سازگاری اجتماعی و بیشترین سازگاری مربوط به سازگاری سلامتی می‌باشد. از بین میانگین‌های ۵ سطح حمایت اجتماعی ادراک شده، بزرگ‌ترین میانگین متعلق به حمایت ادراک شده از خانواده (۵/۲۳) و کوچک‌ترین میانگین متعلق به حمایت ادراک شده از دوستان است. (۱/۸۴) در گروه دختران از بین سطوح ۴ گانه سازگاری، بیشترین مورد مربوط به سطح سازگاری سلامتی (۲۲/۷۰۸) می‌باشد.

در گروه پسران سطوح ۴ گانه سازگاری، بیشترین مورد مربوط به سطح سازگاری سلامتی (۱۵/۷۸۱) می‌باشد. در گروه دختران از بین سطوح ۴ گانه سازگاری، کمترین مربوط به سطح سازگاری اجتماعی و عاطفی می‌باشد که هر دو سطح بطور تقریبی یک میانگین را دارند (سازگاری عاطفی ۳۱/۳۳۸ و سازگاری اجتماعی ۳۱/۰۶۱). در گروه پسران سطوح ۴ گانه سازگاری، کمترین مربوط به سطح سازگاری اجتماعی می‌باشد (سازگاری اجتماعی ۲۸/۸۱۲). دختران حمایت اجتماعی بیشتری را نسبت به پسران ادراک کرده‌اند و سازگاری کمتری دارند. فرضیه‌ی اصلی: بین حمایت اجتماعی و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد.

سازگاری	حمایت اجتماعی ادراک شده
۳۴۳	n
**۰/۱۸۳	r
۰/۰۰۰	P

با توجه به نتیجه‌ی جدول فوق بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=0/183$ همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده، سازگاری به طور محسوسی افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه ی ۱: بین حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد.

سازگاری کل	سازگاری اجتماعی	سازگاری عاطفی	سازگاری سلامت	سازگاری خانوادگی	سطوح سازگاری حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان
۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	N
* /۰.۹۶	۰/۶۴	۰/۰.۲۱	* /۰.۹۵	** /۰.۱۲۹	R
۰/۰.۳۹	۰/۱۱۷	۰/۳۵۱	۰/۰.۴۱	۰/۰.۰۸	P

با توجه به نتایج جدول فوق بین حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان و دو سطح از سطوح سازگاری، سازگاری خانوادگی در سطح ۹۹٪ اطمینان $R=۰/۱۲۹$ ، سازگاری سلامت در سطح ۹۵٪ اطمینان $R=۰/۰۹۵$ و سازگاری کل در سطح ۹۵٪ اطمینان $R=۰/۱۲۹$ همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر حمایت ادراک شده از دوستان با سازگاری خانوادگی، سلامت و سازگاری کل رابطه ی مثبت وجود دارد. یعنی افرادی که حمایت بیشتری را از دوستان ادراک می کنند در مقایسه با افرادی که حمایت کمتری را ادراک می کنند- سازگاری بیشتری دارند.

فرضیه ی ۲: بین حمایت اجتماعی ادراک شده از همکلاسی ها و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد.

سازگاری کل	سازگاری اجتماعی	سازگاری عاطفی	سازگاری سلامت	سازگاری خانوادگی	سطوح سازگاری حمایت اجتماعی ادراک شده از همکلاسی ها
۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	n
**	۰/۰.۵۰	۰/۰.۳۲	۰/۲۵۶**	** /۰.۱۸۹	r
۰/۰.۰۱	۰/۱۷۸	۰/۲۸۰	۰/۰.۰۰	۰/۰.۰۰	P

با توجه به نتایج جدول فوق بین حمایت اجتماعی ادراک شده از همکلاسی ها و دو سطح از سطوح سازگاری، سازگاری خانوادگی در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=۰/۱۸۹$ ، سازگاری سلامت در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=۰/۲۵۶$ و سازگاری کل در سطح اطمینان ۹۹٪ با $R=۰/۱۷۱$ همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر حمایت ادراک شده از همکلاسی ها با سازگاری خانوادگی، سلامت و سازگاری کل رابطه ی مثبت وجود دارد. یعنی افرادی که حمایت بیشتری را از همکلاسی ها ادراک می کنند، در مقایسه با افرادی که حمایت کمتری را ادراک می کنند، سازگاری بیشتری دارند.

فرضیه ی ۳: بین حمایت اجتماعی ادراک شده از خانواده و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد.

سازگاری کل	سازگاری اجتماعی	سازگاری عاطفی	سازگاری سلامت	سازگاری خانوادگی	سطوح سازگاری
					حمایت اجتماعی ادراک شده از خانواده
۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	N
-۰/۰۶۳	*۰/۰۹۹	-۰/۰۴۸	*-۰/۱۱۰	*-۰/۱۰۲	r
۰/۱۲۲	۰/۰۳۳	۰/۱۸۷	۰/۰۲۱	۰/۰۳۰	P

با توجه به نتایج جدول فوق بین حمایت اجتماعی ادراک شده از خانواده و سه سطح از سطوح سازگاری، سازگاری خانوادگی در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R = -0/102$ ، سازگاری سلامت در سطح ۹۹٪ اطمینان و با $R = -0/110$ و سازگاری اجتماعی در سطح اطمینان ۹۹٪ با $R = 0/171$ همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر حمایت ادراک شده از خانواده با سازگاری خانوادگی، همبستگی معکوس و با سازگاری اجتماعی همبستگی مستقیم وجود دارد. یعنی افرادی که حمایت بیشتری را از خانواده ادراک می کنند - در مقایسه با افرادی که حمایت کمتری را ادراک می کنند - سازگاری خانوادگی و سلامت کمتر و سازگاری اجتماعی بیشتری دارند. حمایت ادراک شده از خانواده با سازگاری کل هیچ ارتباطی ندارد.

سازگاری کل	سازگاری اجتماعی	سازگاری عاطفی	سازگاری سلامت	سازگاری خانوادگی	سطوح سازگاری
					حمایت ادراک شده به طور کلی
۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	n
**	۰/۱۲۴	۰/۳۵۲*	**۰/۰۱۴	۰/۰۸۱	r
۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	۰/۰۶۶	P

فرضیه ی ۴: بین حمایت اجتماعی ادراک شده به طور کلی و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول فوق بین حمایت اجتماعی ادراک شده به طور کلی و سه سطح از سطوح سازگاری، سازگاری سلامت در سطح ۹۵٪ اطمینان با $R = 0/014$ ، سازگاری عاطفی در سطح ۹۵٪ اطمینان با $R = 0/352$ و با سازگاری کل در سطح اطمینان ۹۹٪ با $R = 0/199$ همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر حمایت ادراک شده به طور کلی با سازگاری سلامت، سازگاری عاطفی و سازگاری کل همبستگی مثبت دارد.

فرضیه ی ۵: بین عقیده راجع به حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری دانشجویان رابطه وجود دارد

سازگاری کل	سازگاری اجتماعی	سازگاری عاطفی	سازگاری سلامت	سازگاری خانوادگی	سطوح سازگاری عقیده راجع به حمایت اجتماعی ادراک شده
۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	۳۴۳	n
۰/۱۶۴**	۰/۰۷۰	۰/۰۶۷	۰/۱۹۴**	**۰/۱۸۷	r
۰/۰۰۱	۰/۰۹۷	۰/۱۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P

با توجه به نتایج جدول فوق بین عقیده نسبت به حمایت اجتماعی ادراک شده و دو سطح از سطوح سازگاری، سازگاری خانوادگی در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=0/187$ ، سازگاری سلامت در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=0/194$ ، سازگاری اجتماعی در سطح ۹۰٪ اطمینان با $R=0/070$ و با سازگاری کل در سطح ۹۹٪ اطمینان با $R=0/164$ همبستگی معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر بین عقیده نسبت به حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری خانوادگی، سلامت، اجتماعی و با سازگاری کل همبستگی مثبت وجود دارد.

نتیجه گیری و تبیین یافته ها: به دلیل یکسان بودن نتایج حاصل از آزمون فرضیات ۱ و ۲ و قرار گرفتن دوستان و هم کلاسی ها در گروه همسالان در نتیجه گیری این دو فرضیه با هم در نظر گرفته شده اند. همچنان که نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می دهد در جامعه دانشجویی حمایت ادراک شده از دوستان و همکلاسی ها تأثیر متفاوتی بر سازگاری نسبت به حمایت ادراک شده از خانواده دارد. حمایت ادراک شده از دوستان و همکلاسی ها رابطه ی مستقیم و حمایت ادراک شده از خانواده با سازگاری رابطه ندارد. همچنان که فرد به دوره ی نوجوانی و جوانی پا می گذارد، همسالان (دوستان و همکلاسی ها) بخش عظیم تری از شبکه ی اجتماعی آنها را بنیان می نهند. همسالان قابلیت منحصر به فردی در تأمین حمایت اجتماعی برای ارزش بخشیدن به هویت و فراهم کردن عزت نفس دارند و به عنوان مبنایی برای مقایسه ی اجتماعی عمل می کنند، به احساسی از تعلق اجتماعی مجزا از پیوندهای خانوادگی پاسخ می دهند و فرصت های مناسبی برای یادگیری مهارت های اجتماعی فراهم می سازند. براساس دید آدلر، جستجو برای اهمیت داشتن و یافتن جایگاهی در اجتماع و به ویژه در بین همسالان از جمله اهداف اساسی هر نوجوان و جوانی است. جوان با برخورداری از چنین تعاملاتی، ایمنی لازم را برای فائق آمدن بر ناتوانی و کهنتری کسب می نماید. از این رو با رشد علاقه ی اجتماعی در نوجوان و جوان، وی احساس اجتماعی را به موقعیت های دیگری نظیر روابط اجتماعی تعمیم بخشیده و گسترده می سازد. براساس دید اریکسون، تقویت شدن از سوی همسالان که ناظر بر حمایت تأییدی و مصاحبت است، در تشکیل تصویری مثبت از خود، ایجاد یک شخصیت مستحکم و نائل شدن به هویت کمک می کند. بدین ترتیب فرد به ایفای نقش در اطراف مجموعه هایی که نقش های اجتماعی نامیده می شود، می پردازد. در دیدگاه پدیدارشناختی راجرز (با اشاره به توجه مثبت نامشروط در بین همسالان) و هم مزلو (که نیاز به محبت، مصاحبت، مهر و پذیرش از جانب دیگران و به ویژه از جانب همسالان را اساسی می داند) تأکید دارند که همسالان در گروه های نوجوان و جوان عملاً شبکه ی حمایتی وسیعی را فراهم می سازند که به دنیای مخاطره آمیز آنان امنیت می بخشد. نتایج پژوهش هایی که در گذشته انجام شده نیز مؤید یافته های این فرضیه می باشند. از جمله پژوهش هایی که توسط وانگ (۱۹۹۳)، وین (۱۹۹۳)، برنت و کیف (۱۹۹۵)، بایلر (۱۹۹۵) و فیلد و همکاران (۱۹۹۵) یافته های این فرضیه را تأیید می کنند.

در جهت تبیین نتایج حاصل از فرضیه ۳ می‌توان اظهار داشت، تحقیقات گروتوانت و کوپر ۱۹۸۵، هاووز همکاران (۱۹۹۱) نشان می‌دهند نوجوانانی که خود را وابسته به والدین خویش می‌دانند و در عین حال آن قدر آزاد، آرای خود را به راحتی با پدر و مادر و بزرگترهای خویش در میان بگذارند، به وضعیت دستیابی به هویت می‌رسند. و طبق تحقیقات پایینی، نوجوانانی که دچار توقف هویت هستند، معمولاً وابستگی زیادی به والدین خود دارند اما از فرصت‌های لازم برای کسب استقلال و جدا شدن از خانواده برخوردار نیستند (به نقل از لطف‌آبادی، ۱۳۷۹). بر همین اساس از نظر مینوچین (۱۹۷۴) خانواده، «کانون شکل‌گیری هویت» فرد و خاستگاه هویت ایشان می‌باشد، او معتقد است احساس هویت متکی بر دو رکن است «احساس تعلق و احساس مجزا بودن». اکثر نظریه‌ها و تحقیقات بر این عقیده‌اند که استقلال و هویت سالم به وسیله‌ی حمایت و روابط سالم والدین کسب می‌شود و اعتقاد پژوهشگران بر این است که روابط توأم با حمایت سالم موجب بیان احساسات مثبت و منفی می‌شود و از این طریق شایستگی با کفایت اجتماعی و استقلال توأم با مسؤولیت و حس قوی از هویت را پرورش می‌دهند (برجلی، ۱۳۷۸).

با توجه به جامعه‌ی آماری که دانشجویان مقیم خوابگاه می‌باشند و همچنین تجزیه و تحلیل حاصل از یافته‌ها که تأثیرپذیری سطح سازگاری دانشجویان از دوستان و همکلاسی‌ها را نشان می‌دهد می‌توان اظهار داشت دانشجوی مقیم خوابگاه در عین ادراک حمایت‌های خانوادگی، حمایت همسالان را نیز به طور محسوسی ادراک می‌کنند. با توجه به تحقیقات فوق و همچنین تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیرگذاری گروه همسالان می‌توان عنوان نمود، از سنین نوجوانی به بعد با افزایش نفوذ همسالان، نفوذ والدین رو به کاهش می‌رود و عضویت در گروه افراد را در فرایندی قرار می‌دهد که بیشترین میزان جامعه‌پذیری به شکل ناخودآگاه بدون طرح‌ریزی در آن صورت می‌پذیرد. در اینجا است که فرد سعی می‌نماید بیشترین تأیید را از گروه همسالان دریافت نماید زیرا در گروه همسالان برخلاف خانواده، رضایت حول محور علائق و منافع اعضاء قرار دارد و گروه از طریق اعطای پاداش و یا انتقاد و تحریک در مقابل همنوایی یا ناهمنوایی به عبارتی سازگاری یا ناسازگاری اعضاء با هنجارهای گروه تأثیر زیادی را بر رفتار و شخصیت اجتماعی آنها اعمال می‌کند (ستوده، ۱۳۷۸). فرضیه‌ی چهارم پژوهش مربوط به حمایت ادراک شده به طور کلی است، به نظر می‌رسد با توضیحات مذکور وقتی جوان خود را فاقد حمایت اجتماعی بسنده، ادراک می‌کند به سمت تنهایی، انزوا و عدم برقراری ارتباط در سطح روابط خانوادگی سوق می‌یابد. به نظر منطقی می‌آید که وقتی جوان حمایت اجتماعی مورد نظر خود را از خانواده دریافت نکند و یا حمایتی را ادراک نکند، منبع قابل دسترس دیگری برای تأمین حمایت اجتماعی می‌یابد که همان گروه همسالان می‌باشد. و همچنین لازم به ذکر است با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم می‌توان اظهار داشت عقیده راجع به حمایت اجتماعی با سازگاری کل در جامعه‌ی آماری مورد نظر رابطه مثبت داشته که این نتیجه با نتایج فرضیه‌های دیگر هماهنگ می‌باشد. بنا به اظهارات شریعتمداری (۱۳۶۹) که سازگاری را جریانی بین افراد و گروه‌ها می‌داند که براساس آن رضایت طرفین تأمین شده است. پس زمانی که فرد عقیده داشته باشد که برای زندگی در جامعه لازم است از محیط اطراف خود حمایت دریافت کند و این دریافت حمایت مانعی برای استقلال او نمی‌باشد، نشان از سلامتی روانی او دارد و بالتبع بر سازگاری او تأثیرگذار می‌باشد. می‌توان نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه فوق (۵) را تأیید بر مطالب فوق دانست.

منابع

- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۶) نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲). چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۷۸)، روانشناسی اجتماعی، تهران، آوای نور.
- شافر، لارنس فردریک (۱۳۷۴) روانشناسی سازگاری، علی پورمقدس، اصفهان، انتشارات مشعل.
- والی‌پور، ایرج (۱۳۶۰)، روانشناسی سازگاری، تهران، انتشارات وحید.

Cohns, Ashby willst, stress social support Buffering hypothesis, psygchology Bulletin. Second Edition. New Dehli, India.

Lieberman M.A. The effects of social support on responses to stress (Eds). Handbook. Of stress U.S.A the frelpress. (1985).

Chauhan, S. S (1991), Mental Hygien: Ascience of Adjustment.